

عکاسی هنری

فاطمه خماسی

عکاسی از آغاز به عنوان وسیله‌ای برای ثبت لحظه‌ها یا به عبارتی برای ثبت عکاسان در آن زمان از هنرهای تجویزی یا نقاشی به عنوان یک هنر محسوب می‌شد. در حالی که در دوره‌های بعدی، عکاسی به یک هنر مستقل و دارای ویژگی‌های خاص خود تبدیل شد. در این مقاله به بررسی تاریخچه عکاسی هنری و همچنین به بررسی سبک‌های مختلف عکاسی هنری در ایران و جهان خواهیم پرداخت. در ادامه به بررسی سبک‌های مختلف عکاسی هنری در ایران و جهان خواهیم پرداخت.

عکاسی هنری به عنوان یکی از شاخه‌های هنر محسوب می‌شود که در آن عکاس با استفاده از دوربین عکاسی، صحنه‌ها را ثبت می‌کند و به گونه‌ای هنرمندانه آن‌ها را به تصویر می‌کشد. این سبک عکاسی به گونه‌ای است که در آن عکاس به دنبال ثبت لحظه‌های خاص و به تصویر کشیدن احساسات و مفاهیم است.

عکاسی هنری به عنوان یکی از شاخه‌های هنر محسوب می‌شود که در آن عکاس با استفاده از دوربین عکاسی، صحنه‌ها را ثبت می‌کند و به گونه‌ای هنرمندانه آن‌ها را به تصویر می‌کشد. این سبک عکاسی به گونه‌ای است که در آن عکاس به دنبال ثبت لحظه‌های خاص و به تصویر کشیدن احساسات و مفاهیم است. در این مقاله به بررسی تاریخچه عکاسی هنری و همچنین به بررسی سبک‌های مختلف عکاسی هنری در ایران و جهان خواهیم پرداخت.

عکاسی تصویری (امپرسیونیسم عکاسی)

این سبک را به آچی رینلندر که به عنوان پدیده عکاسی از وی یاد می‌کنند، نسبت می‌دهند. وی سعی داشت، نوعی عکاسی شبیه به نقاشی به وجود آورد که به «تصویرکامی» معروف شد. تکنیکی به سبک امپرسیونیسم در نقاشی بود. در کشورهای اروپایی و آلمان از وی به عنوان عکاس هنری یاد می‌کنند. در نقاشی امپرسیونیسم که نقاشان این سبک از عکاسی الهام گرفتند، قصد این بود که همانند عکاسی، تصاویری زودگذر و آبی ارائه شود. ولی آثار این نقاشان از دقت و جزئیات واضح برخوردار نبود.

عکاسان هنری، به عکاسی پرتره نیز توجه داشتند و می‌گوشیدند در این زمینه، آثار هنری و شیوه‌های متفاوتی را به وجود آورند. آنان یا به بوجود آوردن هماهنگی و فضایی بهمین پیرامون



عکاسی مستند و وضوح تصویر

این شیوه در زمان جنگ جهانی اول اهمیت بیشتری یافت. در زمانی که عکاسان تصویری از تیراندازی نقاشی استفاده می‌کردند، عکاسان دیگری بودند که به وضوح تصویر و نگاهتیب به عنوان عامل اصلی برای ایجاد تصویر مثبت، اهمیت می‌دادند. به ویژه در عکاسی مستند البته پیامدهای مهم تر این شیوه در سال‌های ۱۹۱۸ (پایان جنگ جهانی اول) دیده می‌شود که جنگ به عنوان مرحله‌ای انتقالی بین مفاهیم قدیمی تر و جدید عمل کرد. از عکاسان برجسته‌ی این دوران آوزن آرتزه، ژاک هنری لارنتیک و پل مارتین را می‌توان نام برد.

کرایشات پیشرو (آوانگارد) در هنر عکاسی

● فوتوریسم

عنصر زمان و سرعت و تحرک تنهاچه آمیز و پویایی دهشایی، از مشخصات اصالی مکتب فوتوریسم است. این مکتب در آثار براگا گالیا به وجود آمده. وی در عکس‌هایش از حالت محویک حرکت استفاده کرد و گاه یک کدر را چندین بار نور می‌داد تا تصویر یک موضوع چندین بار ثبت شود. بدین تریب، حسی از پویایی و حرکت را پدید آورد.

● کویسیم

آثار نقاشان کویسیم، از جمله پیکاسو، برخی از عکاسان را طوری تحت تاثیر قرار داد که با کنار هم قرار دادن، همی از زاویه‌های متفاوت، موضوع را شکل می‌دند. این شیوه را کابورن به استفاده از بازتاب تصویر در سه آینه تجربه کرد و کوشید، عکس‌های همانند نقاشی کویسیم پدید آورد.

● داداتیسم

این سبک متأثر از جنگ جهانی اول و به استفاده از کلاژهایی از عناصر بصری بود که هیچ ارتباط منطقی با هم نداشتند. کریستین شاد از پیشگامان این مکتب بود. وی در سال ۱۹۱۸ سعی کرد، با قراردادن قطعات خرد شده در مقابل لایه‌ی حساس به نور صفحات یا کاغذ عکاسی، و نوردهی و ظهور آن، ترکیب بندهایی شبیه به آثار کلاژ داداتیست‌ها پدید آورد. هم چنین، آثار به اصطلاح حاضر و آماده‌ی مارسل دوشان که عبارت بودند از اثیپ و محصولات روزمره و به عنوان آثار هنری تعبیر می‌شدند، به نحوی در آثار عکاسان نیز نمود یافتند.

● جنبش عینیت نوین و گروه F64

این جنبش که برای اولین بار در رابطه با سبک نقاشی

رتائستی و در دوران پس از جنگ جهانی اول مطرح شد، بر دقت و وضوح تصویر تاکید زیادی داشت که بعدها «عینیت نوین» نام گرفت. عکاسانی که خود را وقف این جنبش کردند، تمام نیروی خود را صرف تجسم ادانه‌ی روشن و واضح بخشی از واقعیت متمرکز کرده بودند و روی جنبه‌های گوناگون زیبایی‌شناسی روزمره که در شلوغی و هیجری زندگی مدرن به آن‌ها توجه نمی‌شود، تاکید داشتند. این گرایش را می‌توان در آثار عکاسی چون آلبرت رنگر پانچ، آگوست ساندر، اتو هوپه، الکساندر دووچنکو، پل استراند و اعضای گروه «F64» یعنی ادوارد وستون و آنسل آدامز یافت. این گروه به‌طور داشتند، بیشترین میان وضوحی که ثبت جزئیات تصویر را امکان پذیر می‌سازد، درجه‌ی دپرفراکم ۶۴ است.

● گرایش سوررئالیستی

ویژگی این جنبش در نقاشی‌ها، بوتون، واعظ و نظریه پرداز این مکتب، چنین بیان می‌کند: هنرمند، قدرت خلاقه‌ی فسیب خود را که خود آگاه خود را، فرغ از حسب‌های تحسینی، عقلانی و منطقی در پاسخ به و کنش‌های هنری‌ها می‌سازد. در این جنبش، همه چیز رمزآورد و غیرحقیقی است. در عکاسی نیز تحت تاثیر این مکتب، ترکیب بندی‌هایی به وجود آمدند که به خاطر تاثیر فوق‌العاده‌ای که بر بیننده می‌گذرانند، به شیء یافت شده، شهرت یافتند. ویژگی‌های عکاس سوررئالیستی عبارتند از:

۱. ترکیب بندی‌های غیر واقعی؛
۲. منابع نوری گوناگون؛
۳. فاصله‌های غیر معمول بین دوربین و موضوع؛



البوت اروین

دوره پنجم شماره چهار
تابستان ۱۳۸۷
رشد آموزش هنر

تصور حرکت را در ذهن ایجاد می‌کرد. از عکاسان برجسته‌ی این گرایش می‌توان اریک سالامون، آلفرت ایرنشتات، بوریس ایگناتوویچ و هنری کارپته پرسون را نام برد.

● گرایش انسانی

در دوران پس از پایان جنگ جهانی دوم که همراه با صلح و آرامش بود، شیوه‌ی جدید دیگری در عکاسی به وجود آمد. عکاسان در این شیوه می‌کوشیدند، وضعیت و شرایط انسانی را همراه با سنت‌های ملی و مذهبی متفاوت برجسته کنند و به نمایش بگذارند.

ادوارد جی اشتاینخن و اعضای گروه «مگنوم»، هم‌چون ورنو بیشاف، کارته برسون، رابرت کاپا و دیوید سیمور از عکاسان گرایش انسانی هستند. اعضای گروه مگنوم که در سال ۱۹۷۴ تأسیس شد، از ملیت‌های متفاوت بودند و در مطبوعات آن دوران کار می‌کردند.

● عکاسی انتزاعی

کار عکاسان این مکتب درست شبیه نقاشی انتزاعی است. در این روش، عکاسان تلاش داشتند تا جلوه‌ی انتزاعی و دو بعدی از اشیاء و صحنه‌ها ارائه دهند. عکس‌های آن‌ها عملاً فاقد هرگونه جلوه‌ی واقعی بود. از عکاسان برجسته‌ی این گرایش می‌توان به لئارت اولسون، هلمر پرسون و آرون سیس کنید اشاره کرد.

● عکاسی ذهنی

عکاسی ذهنی براساس فرضیه‌های «اتو اشتالینز» به وجود

از جمله عکاسان معروف این گرایش می‌توان به نیند ریچ اشتروسیک، میل برانت و ژوزف اهم اشاره کرد. اوژن آتزه را پدر سوررئالیسم در عکاسی می‌دانند که عکاس پنجره‌ها و محسمه‌ها بود. او لطف شاعرانه اشیای را آشکار می‌کرد.

● عکاسی در فاصله‌ی دو جنگ جهانی (عکاسی زنده)

این گرایش، به دلیل تغییر و تحولات سریع دوران، یعنی شکستن رسوم، ایجاد ساختار اجتماعی جدید، و پیشرفت‌های تکنیکی در ساخت دوربین‌ها، عکاسان زیادی را با خود همراه کرد. از رایج‌ترین گرایش‌های عکاسی در این دوران، «عکاسی زنده» بود. عکاس این امکان را داشت که خیلی سریع واکنش نشان دهد و به تدریج به دلیل پیوند آن با حوادث زندگی جاری، نقش مهم در مطبوعات یافت. آثار این نوع عکاسی، بارها به عنوان یک سند اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت. این عکاسان، تحولات اجتماعی را به وسیله‌ی تکنیک‌هایی که گویای پویایی عناصر تصویر بودند، بازتابی کردند که در آن‌ها، محور بودن عمدی تصویر در برخی عناصر متحرک هویدا بود. این گرایش، به زودی به عنوان روشی با اهمیت به رسمیت شناخته شد. در این روش، انتخاب لحظه‌ای که یک واکنش پوی را نشان می‌داد، بسیار مهم بود. انتخاب لحظه‌ی مناسب نزد برخی از عکاسان، لحظه‌ی قبل از وقوع حادثه بود و نه خود لحظه‌ی وقوع. زیرایننده‌ی وادار می‌شد، رویدادهای بعدی وقوع حادثه را در ذهنش دنبال کند. آن‌گاه هیجانی که حاصل می‌شد،

آمد که به تعبیر فردی از واقعیت به وامطه‌ی تجسم ذهنی تصویری گرایش داشت.

قواعد اصلی این گرایش عبارت‌اند از:

۱. میجزا ساختن موضوع از طبیعت؛
۲. تغییر در پرسپکتیو عکس؛
۳. اهمیت دادن به ارزش سایه روشن‌ها.

● رئالیسم جادویی

در این سبک، عکاسان بیشتر به جزئیات توجه داشتند و کارشان شباهت زیادی به سوررئالیسم داشت؛ البته با یک تفاوت: موضوع‌هایی که آگاهانه تصویر می‌شدند، هویت اصلی خویش را در عکس‌ها از دست نمی‌دادند، بلکه موضوع به گونه‌ای تصویر می‌شد که جنبه‌ای جادویی به خود بگیرد. از عکاسان برجسته‌ی رئالیسم جادویی می‌توان به دنیس بریهات، رابرت هاووز، والتر دنز و رنه گراودی اشاره کرد.

● پاپ آرت

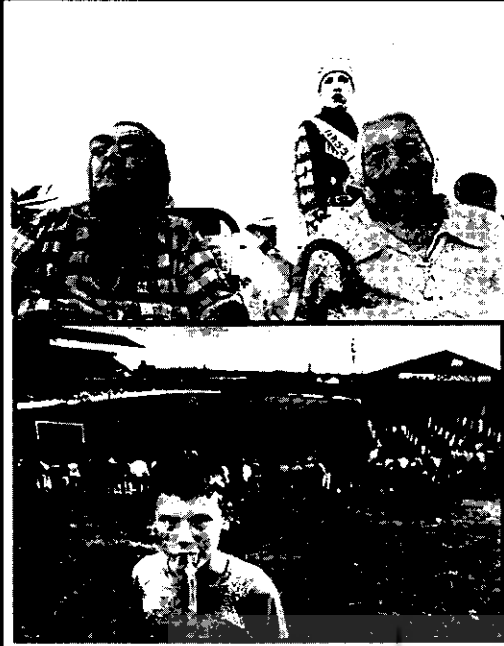
پاپ آرت یکی دیگر از گرایش‌هایی بود که تحت تأثیر یکی از سبک‌های تجسمی ظهور یافت. از دنیای مصرفی انتقاد می‌کرد و ابتداءً رابه صورت‌های خیال و روی می‌کشاند. سعی بر آن داشت که سطح زندگی را از ورای تولید انبوه نمایان سازد. این سبک تمام فراورده‌های دنیای مصرفی و زندگی شهری را که از طریق بصری می‌شد درک کرد، به گونه‌ای رمانتیک ارائه می‌داد. عکاسان پاپ آرت، از شیوه‌های فتومونتاژ، کلاژ و چاپ روزی کریاس استفاده می‌کردند. از عکاسان برجسته‌ی این سبک می‌توان به ریچارد همیلتون، رابرت هاووز و رینهارد شوپرت اشاره کرد.

● رئالیسم عکاسی

این شیوه در عکاسی، نتیجه‌ی تقلید نقاشان از عکس‌های فی‌البداهه بود که تأثیر جدیدی بر کار عکاسان نهاد. این سبک زاده‌ی تأثیر عکاسی بر نقاشان امپرسیونیسم نیز شاهد بودیم. از ویژگی‌های رئالیسم عکاسی می‌توان به تقلید کامل در ترکیب‌بندی عکس و حتی استفاده از عیوب و نواقص تکنیکی دوربین در ثبت عکس نام برد. به‌طور کلی، مشخصه‌ی این سبک گرایش صریح آن به واقعیت است. اواگو بینسکا، جان گری، هادفیلد و بیرژی کندر، از جمله عکاسان مشهور این سبک هستند.

منابع

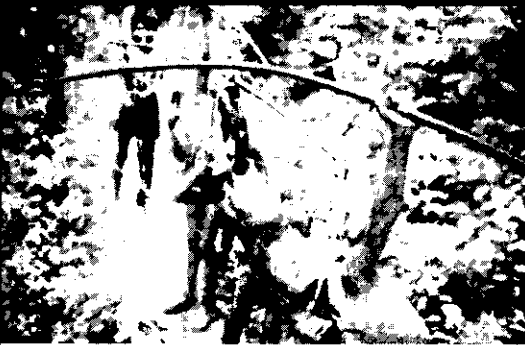
۱. ناسکا، جان. عکاسی در قرن بیستم، ترجمه‌ی محمد سعاری، نشر بید، ۱۳۶۸.
۲. پورتو، آلی. باغ معسور عکاسی، ترجمه‌ی رضا جواد و بهمن جلالی، سروش، ۱۳۶۵.
3. Dennis, Eryin. Applied photography, DeMerpabine, 1993.
4. The oxford. Duden pictorial Dictionary, oxford vnpres, 1989.



ادکانسی



بیل برانت



ناجیل دیکسن

دوره پنجم / شماره چهار
تابستان ۱۳۸۷

۶۳